امتیاز

شنبه ۲۳ مرداد ۱۴۰۰
۵ محرم الحرام ۱۴۴۳ ● ۱۴ آگوست ۲۰۲۱
شماره ۳۲۶۱ ● ۸ صفحه

متن میثاق‌نامه روزنامه‌نگاری در سایت روزنامه موجود است

روزنامه فرهنگی، هنری، ورزشی، اجتماعی صبح کشور
صاحب امتیاز و مدیرمسوول:
غلامحسین شعبانی
نشانی: میدان انقلاب - خیابان جمالزاده‌شمالی
پلاک ۲۶۰ واحد ۵

پست الکترونیکی:
info@emtiazdaily.ir
تلفن: ۶۶۵۹۶۸۰۹
آگهی دولتی: ۶۶۵۶۷۷۶۴ - آگهی شهرستان ها: ۶۶۶۵۰۰۹۹
لیتوگرافی و چاپ: ریحان

WWW.EMTIAZDAILY.IR

اخبار

رامتین شهبازی مطرح کرد؛

در ارتقای دانش سینمایی جهان سهیم شویم

رامتین شهبازی پژوهشگر، استاد سینما و دبیر علمی نشست‌های پژوهش برخط سومین همایش مطالعات فیلم کوتاه تهران با بیان اینکه در زمینه فیلم کوتاه پژوهش‌های کمی صورت گرفته است گفت: اگر بخواهیم در تمام زمینه‌های فیلم کوتاه عنوان مقاله یا کتاب پژوهشی معرفی کنیم متوجه می‌شویم که این موارد بسیار کم هستند و می‌توان گفت ما در زمینه فیلم کوتاه کار نکرده‌ایم و بیشتر توجه‌ها بر فیلم بلند بوده است. اگرچه در زمینه فیلم بلند هم فقر پژوهشی داریم.

وی ادامه داد: در فیلم کوتاه تجربی دچار فقر تحقیقاتی هستیم، نه تنها در پژوهش بلکه در حوزه منابع هم ضعیف عمل کرده‌ایم. در این سال‌ها ترجمه‌های انگشت شماری داشته‌ایم بنابراین این نیاز دیده می‌شود که در رابطه با فیلم کوتاه تجربی و در جریان سومین همایش مطالعات فیلم کوتاه تهران در این حوزه پژوهش کنیم و به این بخش غنا ببخشیم. باید منابعی تولید کنیم که آیندگان بتوانند از ماحصل برگزاری این همایش استفاده کنند. شهبازی با اشاره به اهمیت پژوهش در فیلم کوتاه، گفت: اصولاً بخش خصوصی با توجه به قیمت کنونی کاغذ تمایلی به سرمایه گذاری روی یک سری از کتاب‌ها و منابع ندارد و شرایط اقتصادی در نشر حاکم است که ناشران را به سمت آثار پرفروش‌تر سوق می‌دهد اما بخش دولتی می‌تواند بخشی از منابع مالی و بودجه خود را صرف پژوهش‌هایی کند که بخش خصوصی از آنها حمایت نکرده است. بخش دولتی به دلیل مسئولیت فرهنگی که برعهده دارد، می‌تواند و اساساً باید این وظیفه را بر عهده بگیرد.

شهبازی عنوان کرد: انجمن سینمای جوانان ایران گام مثبتی را در این زمینه برداشته است و در راستای عمل به ماموریت‌های محوله خود اقدام می‌کند.وی با بیان اینکه در سومین همایش مطالعات فیلم کوتاه تهران تغییرات عمده‌ای نسبت به دوره گذشته وجود نخواهد داشت، گفت: به دلیل آسیب شناسی‌هایی که از دوره‌های گذشته شکل گرفت، بعضی از کار اولی‌ها در زمینه مقالات، مشکلات پژوهشی دارند به همین دلیل تصمیم گرفتیم امسال پیش از شروع همایش، برنامه‌های گفتگومحور اینستاگرامی تحت عنوان مولفه‌های پژوهش، پروپوزال نویسی، مقاله نویسی و... با کمک اساتید برجسته دانشگاه و هنرمندانی که صاحب نظر هستند، برگزار کنیم که تاکنون ۲ جلسه از این برنامه روزهای دوشنبه ساعت ۲۰ در صفحه آموزش انجمن سینمایی جوان برگزار شده است. شهبازی مطرح کرد: اساتید این دوره‌ها تاکنون وحیدالله موسوی، بهروز محمودی بختیاری، روناک رنجی، احمد الستی و مجید برزگر بوده‌اند و در ادامه بیست و دو برنامه‌ای که در نظر گرفته شده است، اساتید دیگری به این جمع اضافه خواهند شد.وی افزود: سال گذشته کتاب «روایت در فیلم کوتاه» در جریان دومین همایش مطالعات فیلم کوتاه تهران چاپ شد اما امسال ۲ کتاب مجزا در حال نشر است و جوایز خوبی هم در دوره سوم برای برگزیدگان در نظر گرفته شده است. شهبازی ادامه داد: همایش مطالعات فیلم کوتاه تهران و جشنواره فیلم کوتاه تهران باید مکمل یکدیگر باشند و هم را پوشش دهند. ما باید از مخاطبان فیلم‌ها دعوت کنیم که مخاطب سمینار هم باشند و دانش خود را بالا ببرند.وی در پایان تصریح کرد: سال گذشته مقالات به سطح لازم، نرسیده بود و تا نقطه مطلوب فاصله داشت اما جای تقدیر دارشت. به نظر من باید ارگان‌های دیگر را درگیر همایش کنیم تا فیلمسازان در ساخت فیلم، غریزه‌ای عمل نکنند و با آگاهی و پژوهش فیلم بسازند. سومین همایش مطالعات فیلم کوتاه تهران به دبیری سعید پوراسماعیلی و دبیری علمی احمد الستی ۲۴ آذر ماه ۱۴۰۰ در بخش‌های مقالات پژوهشی، جستارهای آزاد و ترجمه با محوریت سینمای تجربی برگزار می‌شود. آخرین مهلت ارسال چکیده مقالات به این رویداد ۳۰ مرداد ۱۴۰۰ است. متن کامل فراخوان در سایت انجمن سینمای جوانان ایران آمده است.

بررسی کوفه و کوفی‌ها در جهان فیلم‌سازی میرباقری

جامعه‌شناسی کاراکترهای ماندگار مختار

در جهان فیلمسازی داوود میرباقری مهم‌ترین کاراکتر شهر کوفه است. گذشته از آثار قابل‌توجه میرباقری قبل از سریال امام علی(ع) یا آنچه او لابه‌لای آثار تاریخی‌اش در این سال‌ها ساخته، جهانی که از آن صحبت می‌کنیم بیشتر رنگ‌وبوی تاریخی-مذهبی دارد. جهان فیلمسازی میرباقری که او سیر آن را با سریال امام علی(ع) آغاز کرد و تا اینجای کار به مختارنامه رسانده، همیشه از منبع افسون‌آمیز شهر کوفه تغذیه می‌کرده است. میرباقری نوعی روایتگری را انتخاب کرده که در قالب فیلم‌های یکی، دوساعته سینمایی نمی‌گنجد و روی همین حساب سراغ سریال‌های عظیم که ساخت هرکدام‌شان چندین سال طول می‌کشید، رفته است و هر قصه او بازه زمانی طولانی‌مدتی را روایت می‌کند که گاه به چندین دهه می‌کشد. او کوفه را از همان روز اول انتخاب کرده بود و این یک کشف تصادفی یا چیزی نیست که به مرور زمان ایجاد شده باشد. اولین قسمت از سریال امام علی(ع) با این جملات راوی آغاز می‌شود که «در زمان خلیفه دوم عمر بن خطاب، در عراق عرب، پادگانی در نزدیکی مرزهای امپراتوری عظیم ایران بنیاد شد. سپاهیان دولت نوپای اسلام از همین پادگان به مرزهای ایران حمله‌ور شدند. رفته‌رفته این پادگان مرکز تحرک سپاه شد و مبدل به شهری وسیع شد به نام کوفه. در طول خلافت خلیفه دوم و نیز در زمان خلافت عثمان بن عفان و علی‌بن‌ابی‌طالب، کوفه مرکز تنش‌های مهم سیاسی دولت شد. عمار یاسر، سعد ابی‌وقاص و ولیدبن‌عقبه، ازجمله امرایی بودند که عهده‌دار امور کوفه شدند. ولید بن عقبه برادر رضاعی خلیفه دوم عثمان بود و به اتکای همشیر بودنش با خلیفه، کوفه را عرصه تاخت‌وتاز نفس سرکش خود کرده بود.» و حالا که ۲۵ سال از اولین پخش این سکانس گذشته است و چندین نسل با سریال‌های میرباقری زندگی کرده‌اند، می‌شود برای به دست آوردن یک شناخت کلی از جهان فیلمسازی او به همین چند جمله راوی در سکانس آغازین امام علی(ع) ارجاع داد. میرباقری شاگرد مکتب علی شریعتی است و حتی در نگارش دیالوگ‌های تاریخی، چنان‌که خودش سال‌ها پیش گفته، از نگارش‌ها و سخنرانی‌های دکتر شریعتی الهام گرفته اما قرار گرفتن کوفه در جایگاه مهم‌ترین کاراکتر جهان فیلمسازی او نشان می‌دهد تاثیر شریعتی روی میرباقری فقط در تکنیک‌های بیانی نبوده و او همچنان در صبحانه انقلاب، به تماشا و نمایش نزاع نیروهای خیر و شر در درون انسان‌ها و خلق درام براساس تضارب بیرونی این نزاع‌ها علاقه دارد. کوفه همان چیزی است که در پس‌زمینه ذهنی مردم خاورمیانه به «دنیا» تعبیر می‌شود. ترک‌ها می‌گویند این دنیا، دنیایی دروغین است، عرب‌ها می‌گویند دنیا فانی است و فارسی‌زبانان می‌گویند دنیا وفا ندارد و کوفه، عصاره و نمادی از همین جلوه دروغین و فانی و بی‌وفاست. پیوند جهان‌بینی میرباقری با ادبیات انقلابی شریعتی باعث شده او کوفه را دائما میز صبحانه انقلاب ببیند؛ جایی و لحظه‌ای که فردای ظفر، عده‌ای ناگهان به عصر جاهلیت برمی‌گردند و حیرت می‌آفریند، عده‌ای دیگر سودای قدرت و مکنت پیدا می‌کنند و این باعث فاصله گرفتن‌شان از آرمان‌های اولیه می‌شود و عده‌ای دیگر ثابت‌قدم هستند و علاوه‌بر آنها ثابت‌قدمانی از راه می‌رسند که در روند پیروزی حق و سقوط حاکمیت طاغوت نقش کمتری داشتند اما اتفاقا در این بلا روزگار پر از فتنه است که نقش طلایی خودشان را ایفا می‌کنند؛ همان تازه‌مسلمان‌هایی که از سابقون هم جلو می‌زنند. از این جهت ماجراهایی که میرباقری از کوفه نقل می‌کند، قابل‌تطبیق با شرایط حاکمیت و جامعه در ایران پس از انقلاب است. در رژیم قبل چون قدرت در دست یک شخص یا یک خانواده بود، امکان این همه رویاپردازی در افراد برای رسیدن به اریکه‌های بالادستی قدرت وجود نداشت و تنها راه موجود، اتصال به همان خانواده قدرتمند شاهی بود که برای خیلی‌ها نمی‌توانست میسر باشد. اما در فردای انقلاب است که آن تمرکز می‌شکند، امکان رویاپردازی برای خیلی‌ها فراهم می‌آید، سهم‌خواهی‌ها شروع می‌شوند و فضای سیاسی ایران موقعیت دراماتیک‌تر و پیچیده‌تری پیدا می‌کند. البته تمام شخصیت‌هایی که در آسمان کوفه چشمک می‌زنند و از همنشینی‌شان باهم صور فلکی گوناگونی را می‌سازند، بازیگران دست‌اول سیاسی و مردان شماره یک قدرت نیستند. در این بین آدم‌های دیگری هم صاحب نقش هستند که برای همان‌ها هم می‌شود در جامعه ۴۰ساله ایران متاخر، نمونه‌هایی یافت. کوفه، یک شهر برساخته است که قبل از انقلاب پیامبر اسلام، وجود خارجی نداشت اما این یک شهر بدون فرهنگ و خالی‌از ذهن نیست؛ بلکه ساکنان و سیاستگذارانش چیزی از گذشته خودشان را به آن آورده‌اند و یک دیگ جوشان همگون‌سازی تشکیل داده‌اند که در قلیان خودش تاریخ می‌سازد و عبرت می‌آفریند. اینکه ذهن کوفه به چه چیزی می‌اندیشد و کوفه چه فرزندانی می‌آفریند و با فرزندانش چه می‌کند، چیزی نیست که در یک مرور گذرا بتوان به آن پرداخت یا حتی یک نفر ادعا کند که می‌تواند تمامی آن را توصیف کند؛ اما برای خلاص‌شدن از ناشناختگی ذهن پیچیده کوفه، می‌توان آن را با دنیا یکی گرفت؛ دروغین و فانی و بی‌وفا؛ چیزی که نباید به آن دل بست، چه آنکه هرکس به آن دل بست یا دل نبست، روزی سوار اسب مراد است و روز دیگر به زمین کوفته می‌شود؛ اما رستگاران واقعی کسانی هستند که به دنیایی دیگر فکر کرده‌اند. این را می‌شود در جهان فیلمسازی میرباقری به تمام معنا دید. کوتاه‌ترین دعوتنامه امام‌حسین(ع) برای محمد حنفیه و آنان که از بنی‌هاشم گرد او بودند، مصداق روشنی برای حل این معماست. سالار شهیدان در آن نامه می‌نویسد «گویا دنیا هیچ‌گاه نبوده و آخرت همیشه بوده است. والسلام.»

قطام؛ زنی فم‌فاتال بین رجاله‌های سیاسی

شخصیت قطام در سریال امام علی(ع) را می‌توان با فم‌فاتال‌ها یا زنان افسونگر که خصوصا در فیلم‌های گنگستری یا نوآر دیده می‌شوند، مقایسه کرد؛ زنانی که به محافل قدرت‌های تبهکاری ورود می‌کنند و از نقش یک تن‌فروش فراتر می‌روند. قطام اما در کلان‌ترین سطح قدرت ورود می‌کند نه چند گروه تبهکار شهری. او نمی‌تواند هیچ‌کس را دوست داشته باشد اما دلش می‌خواهد که همه مردان قدرت دوستش داشته باشند تا بتواند از این علاقه برای کنترل آنها و نقش‌آفرینی‌های کلان سیاسی سوءاستفاده کند. اخیرا واژه‌ای به ادبیات سیاسی ایران وارد شده با عنوان «پرستو»، اما قطام چیزی فراتر از آن است. قطام از سمت کسی مامور نشده و این اراده خودش است که چنین باشد. او نمادی از نوع تاثیرگذاری منفی زنان پرده‌نشین روی مردان قدرت هم هست و البته فارغ از جنسیتش، نماد کسانی هم به‌حساب می‌آید که سعی دارند به طریقی نامتعارف روی سیاست تاثیر بگذارند. این شخصیت سال‌ها پیش از آنکه در ایران کسی حتی عنوان سلبریتی را شنیده باشد خلق شد وگرنه می‌توانست جنبه‌های دیگری هم پیدا کند؛ چنانکه خیلی از فم‌فاتال‌ها در آثار غربی سلبریتی هستند. بخش قابل‌توجهی از شخصیت کوفه را قطام شکل می‌دهد.

عمره؛ الهه همدلی و قهرمان‌پروری

همسر مختار که رفیق شفیق او هم هست، در نمایش شخصیت زن‌های کوفی، روی دیگر سکه محسوب می‌شود. اگر قطام از دل سینمای گنگستری و نوآر بیرون می‌آید و ماهیت هزارویک‌شبی خاورمیانه را پیدا می‌کند، عمره از سینمای وسترن آمده است؛ زنی که تنها یاور مرد تنهای قصه است و غیر از رفیق دردانه قهرمان (مثلا در مختارنامه کیان پارسی)، تنها کسی به حساب می‌آید که حرف او را می‌فهمد و اعمال قهرمانانه‌اش را غیرمنطقی نمی‌پندارد. عمره الهه درک و همدلی است. او قهرمان‌پرور است و غیر از تصویر آرامبخش یک معشوقه در ایام وصال، نمایی از آشوب مداوم مردی را بازتاب می‌دهد که یک روز شورمندی‌اش را برای رسیدن به این زن و ماندن در کنارش نشان داده بود و حالا در تلاش برای تن ندادن به قانون‌های ظالمانه دنیا نشان می‌دهد. اگر دریچه فرار را هم جزئی از دیوار زندان به‌حساب بیاوریم، عمره هم می‌تواند جزئی از کوفه باشد؛ یعنی کوفه فقط قطام نیست، بلکه عمره هم هست. اما البته به تعبیری دیگر که بیشتر به عمق می‌رود، عمره ظرفی است که می در آن می‌جوشد و مستی‌آفرین می‌شود. او در مقابل همسر اول مختار هم قرار می‌گیرد که تا حدودی زن مطبخ و غرولند و همپا نشدن با قهرمانی‌هاست.

ابن‌مرجانه؛ پیچیدن در روده‌های کوفه

سکانسی در سریال مختارنامه هست که در آن مردم کوفه منتظر ورود امام‌حسین(ع) به شهر هستند اما یزید که ترسیده، ابن‌زیاد یا همان ابن‌مرجانه را برای ولایت کوفه و جلوگیری از طغیان شهر به آنجا فرستاده است. ابن‌زیاد که می‌هراسد به محض ورود به کوفه، جانش را بگیرند، لباسی شبیه هاشمیان پوشیده و همراه چند سوار وارد شهر می‌شود. وقتی او جلوی دارالعماره می‌رسد، نعمان بن بشیر که والی قبلی کوفه است، بر سکوی امارات می‌ایستد و خطاب به سواران می‌گوید: «اگر حسین‌بن‌علی بین شماست، به او می‌گویم امارت کوفه اسب چموشی است که به هیچ‌کس سواری نمی‌دهد» و اینجاست که ابن‌زیاد، نقاب از چهره‌اش بر می‌دارد و معلوم می‌شود که کیست. به هرحال حرف نعمان درست از آب درآمد و ابن‌زیاد مأموریتش را انجام داد و از هر نوع حرامزادگی برای رسیدن به اهدافش باز نایستاد اما آخرسر او هم به سرنوشت شومی دچار شد. این است کوفه! چه به اصول‌تان پایبند باشید و چه از هر چیزی برای رسیدن به اهداف‌تان فرو نگذارید، نهایتا ممکن است یک نوع سرنوشت داشته باشید اما چه بهتر که انسان لااقل لگدش را به این دنیا زده باشد و برای هدفی که دوستش داشته هزینه بدهد. کسی که شهید می‌شود، به هدفش رسیده اما کسی که چون ابن‌زیاد می‌میرد، درحقیقت در روده‌های کوفه پیچیده است.

ابن‌سعد؛ فروختن آخرت به حواله بلامحل دنیا

سعد ابی وقاص و پسرش عمر بن سعد در سریال‌های امام علی(ع) و مختارنامه هردو نمادهایی از ناکام ماندن افراد در رسیدن به حد اعلای قدرت هستند. سعد ابی وقاص سودای خلافت داشت اما پسرش فروتر آمد و حداقل می‌خواست که ملک ری را به دست بیاورد. او که هم‌بازی امام حسین(ع) در دوران کودکی‌اش بود و با مختار هم خویشاوندی داشت، دست آخر به خاطر این آرزوی دیرینه، بزرگ‌ترین ننگ تاریخی را به پیشانی‌اش کوفت و همه جای تاریخ نوشتند کسی که تا چند روز قبل از عاشورا پشت‌سر امام نماز می‌خواند، در روز واقعه دست به کاری زد که از شقی‌ترین افراد برنمی‌آمد؛ اما درنهایت چنان‌که امام حسین(ع) به او فرمود از گندم ری نخواهی خورد، ناکام ماند و آخرتش را به حواله‌ای از دنیا فروخت که نقد نشد. شبیه ابن‌سعد را میرباقری در فصول مختلف کارهایش میان پس‌کوچه‌های کوفه زیاد نشان داده است؛ با مقیاس‌های کوچک و درشت؛ کسانی که رویا دارند اما آرمان ندارند. آدم‌هایی که جایگاه‌های بزرگ می‌خواهند اما در درون حقیر هستند. این سودا می‌تواند از آنها آدم‌های کوچک، اما بزرگ در بدی و شرارت بسازد؛ جوری‌که تفوی تاریخ شوند و حقیر به‌نظر برسند. ابن سعد هم کشته شد اما نه در رکاب امام، بلکه در رویداد انتقام؛ و در یکی از پس‌کوچه‌های کوفه، هزاران فرسنگ دورتر از ملک ری.

حبیب‌بن‌مظاهر؛ انقلابی ماندن

شاید حربن یزید ریاحی را به نوعی نمادی از تصمیم لحظه آخر در مساله عاشورا بدانند اما نوع دیگری از تصمیم لحظه آخر، حبیب بن مظاهر است. کسی که سن و سالی از او گذشته بود و می‌توانست خودش را معاف از رزم به‌حساب بیاورد. کسی که غبار کندی ایام می‌توانست بر تیغه ماجراجویی او بنشیند و یک پیر محافظه‌کار از او بسازد. از آفات و خطرهای عمر زیاد این است که می‌تواند باعث شود یک شخصیت انقلابی تا انتها همان چیزی باقی نماند که در روز اول بود. حبیب شدن اگرچه سخت است، اما اگر روزگار به درازا بکشد و ابتلائات زمانه پدید بیایند و کسی بتواند همچنان حبیب بماند، حماسه‌ای بزرگ‌تر را رقم زده است. مختارنامه را که ببینیم خواهیم گفت حبیب چقدر فرجام شیرینی داشت. او اگر به کربلا نمی‌رفت هم چند صباحی بیشتر زنده نمی‌ماند اما باقی‌مانده اندک عمرش را به بهایی بی‌نهایت فروخت و به صف شهیدان پیوست. فرار شبانه حبیب بن مظاهر و مسلم بن عوسجه از شهر کوفه، فرار دنیادیدگان از دنیاست؛ کسانی که حتی در روزهای آخر عمر هم از گرفتن تصمیم‌های جانانه خسته نشده بودند و به سوی حبیب شتافتند. حبیب در بسیاری از علوم ازجمله فقه، تفسیر، قرائت، حدیث، ادبیات، جدل و مناظره تبحر داشت و حافظ کل قرآن مجید بود اما نهایتا مصداق این بیت شد که بشوی اوراق اگر همدرس مایی/ که علم عشق در دفتر نباشد.

میثم تمار؛ زیبایی‌شناسی تحقیر دنیا

میثم تمار زیباست اما برای درک او باید معیارهای زیبایی‌شناختی عوض شوند. سکانس رویارویی او با ابن‌زیاد در دارالعماره یک دهه پس از پخش مختارنامه هنوز بین مخاطبان دست به دست می‌شود و طنین صدایش جان‌ها را می‌لرزاند، آنجا که می‌گوید از خصوصیات حرامزاده این است که با زبانش دیگران را تحقیر کند... او نمادی از ایستادگی در برابر لحن مغرور و متفرعن اشرافیت است. شبیه شخصیت اباذر در سریال امام علی(ع). در گوشه‌ای از کوفه قطام و ابن‌زیاد و ولید و ابن‌سعد، مردی خرما می‌فروشد به نام میثم. او با یکی از خلفای قبل دوست صمیمی بوده اما مرام خاکی و متواضعش را همچنان حفظ کرده است. اگر نیک در شخصیت او بنگریم، به تمام معنا تحقیر این دنیا و جلوه‌های متظاهرانه و پوچ آن است. کسی که ذره‌ای برای زینت‌های حیات دنیوی ارزش قائل نیست. میثم تمار شاخه‌ای است که نه خم می‌شود و نه می‌شکند. وقتی میثم تمار در پس‌کوچه‌های کوفه قدم می‌زند، شهر کوچک و او بزرگ به نظر می‌رسد و این اتفاقا از سادگی فوق‌العاده این شخصیت به وجود آمده که شاگردی مکتب علی را کرده است و لحظه‌ای فرا می‌رسد که هر مشاهده‌گری حس می‌کند قوی‌ترین شخصیت کوفه، ساده‌ترین خرمافروش آن است.

مختار ثقفی؛ تمام خصوصیات کوفه در یک نفر

شخصیت مختار ثقفی در خود تاریخ محل قضاوت‌های متنوعی قرار گرفته و این چالش داوود میرباقری برای ساخت سریالی بر پایه شخصیت او را چندین برابر می‌کرد. اما شاید بشود این را گفت که مختار میرباقری برداشت نسبتا خوش‌بینانه‌ای از انسان‌واره شدن شخصیت خود شهر کوفه هم هست. یک مرد خاکستری با جهانی از تصمیمات متناقض که گاه شدیدا سیاست‌ورزانه بوده‌اند و گاه آرمانخواهانه می‌شوند. او درنهایت به سمت آرمان می‌غلتد و رستگار می‌شود. مختار در بخش‌هایی از داستان با کسانی که حتی خودش در دل به آنها اعتقادی ندارد هم‌پیمان می‌شود تا بخش‌هایی از نقشه‌اش را پیش ببرد اما در بخش‌های دیگری از قصه روی یک اصل و یک تصمیم، محکم می‌ایستد و بهایش را می‌پردازد. نکته‌ای که وقتی از دورنما به این شخصیت نگاه می‌کنیم مشخص می‌شود، این است که به قول قدیمی‌ها؛ هم آنها که دویدند و هم آنها که خزیدند، آخر به هم رسیدند. یعنی چه مختار آن سیاست‌ورزی‌ها را می‌کرد و چه نه، نهایتا به همین جا می‌رسید که در آخر قصه رسید. مختار در بخش‌هایی از قصه تقریبا ماکیاولیستی رفتار می‌کند و می‌خواهد برای رسیدن به یک هدف درست، به کار بردن وسایل نادرست را توجیه کند اما نهایتا هیچ‌کدام از این رفتارها کار او را پیش نمی‌برند. این تقریبا درمورد تمام شخصیت‌های کوفه صدق می‌کند. خیلی از آنها تلاش می‌کنند که سرنوشت را جور دیگری رقم بزنند اما درنهایت نسبت به مردان آرمانخواه، چیز چندان بیشتری از این دنیا نصیب‌شان نمی‌شود. خوبی فرجام مختار این است که او به‌رغم حرکت‌های مارپیچ روی یک خط صاف، نهایتا در مسیر مستقیم قرار گرفت و عاقبت بخیر شد.

برای معرفی در بخش «رقابتی رسمی» جشنواره بین‌المللی فیلم «کارلووی واری»؛

تیزر فیلم سینمایی «امتحان» به کارگردانی «شوکت امین کورکی» رونمایی شد

تیزر فیلم سینمایی «امتحان» به کارگردانی شوکت امین کورکی، برای معرفی در بخش «رقابتی رسمی» پنجاه و پنجمین دوره جشنواره بین‌المللی فیلم «کارلووی واری» و دیگر جشنواره‌های جهان، رونمایی شد.

به گزارش امتیاز؛ تیزر فیلم سینمایی «ئه‌زموون» (امتحان) The Exam به کارگردانی شوکت امین کورکی، به تهیه کنندگی ممد اکتاش، به نویسندگی مشترک شوکت امین کورکی و محمدرضا گوهری فیلمنامه‌نویس سرشناس ایرانی و محصول مشترک اقلیم کردستان عراق و کشورهای آلمان و قطر؛ برای معرفی در بخش «رقابتی اصلی» Crystal Globe پنجاه و پنجمین دوره جشنواره بین‌المللی فیلم «کارلووی واری» و دیگر جشنواره‌های جهان، رونمایی و با هدف آشنایی مخاطبان با این اثر سینمایی منتشر شد.

فیلم سینمایی «ئه‌زموون» محصول کمپانی «میتوس فیلم» در برلین و کمپانی «مستی فیلم» در سلیمانیه و با حمایت وزارت روشنبیری (فرهنگ و هنر) و جوانان حکومت اقلیم کردستان تولید شده که در پاییز سال ۲۰۱۹ با مدیریت فیلمبرداری ادیب سبحانی در شهر سلیمانیه پایتخت فرهنگ و هنر اقلیم کردستان فیلمبرداری شده است و عوامل حرفه‌ای سینمای اقلیم کردستان و کشورهای ایران، ترکیه و آلمان در این پروژه سینمایی حضور موفقی داشته‌اند.

در فیلم سینمایی «ئه‌زموون» ترکیبی از بازیگران سرشناس و باتجربه اقلیم کردستان به همراه تعدادی از بازیگران جوان، از جمله؛ ئافان جمال، فانیا سالار، حسین حسن، شوان عطوف، هوشیار زیرو نیروویی، نیگار عثمان، کاوه قادر، عادل عبدالرحمان و ... به ایفای نقش پرداخته‌اند.

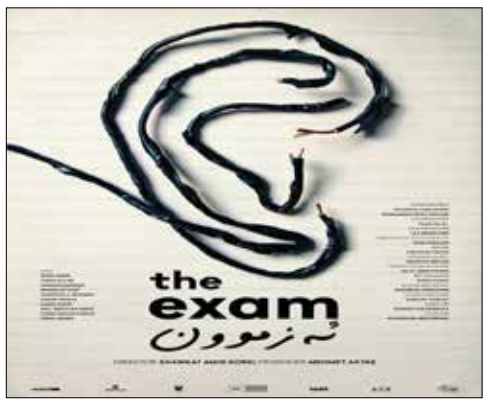

یادداشت

شما هم کاندیدای وزارت ارشاد هستید(۲)

حسین هاشم پور

تیتر ۱۳۰ کاندیدا برای وزارت ارشاد دولت سیزدهم بازتاب گسترده ای میان جامعه هنری داشت؛ اما این به هیچ وجه اتفاق تازه ای نیست، پاییز ۱۳۹۵ وقتی علی جنتی مجبور به ترک وزارت ارشاد شد، دو سه برابر این عدد، مدعی این منصب بودند.

سه شنبه ۲۷ مهر ۱۳۹۵ یادداشتی نوشتم زیر تیتر « شما هم کاندیدای وزارت ارشاد هستید » که در چند رسانه منتشر شد.

لطفن بخش هایی از این یادداشت را بخوانید تا ببینید در به همان پاشنه است:

این روزها از در و دیوار شهر گزینه برای تصدی وزارت ارشاد می بارد، رسانه ها هر روز چندین و چند چهره را به عنوان گمانه های جایگزینی علی جنتی معرفی می کنند و خلاصه کارناولی به راه است؛ از انبوه چهره ها چنین برمی آید که دوزاری ها جا نیفتاده است، اگر راهبری وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی تا این سان ساده است چرا علی جنتی با پایگاههای شناخته شده اش اندر خم ماندن و رفتن است؟ وزیری که همین سال پیش به جهت پیگیری هایش در خصوص حقوق شهروندی تقدیر می شد اکنون با اتهام نادیده انگاشتن حقوق شهروندی روبروست؛ این کم ترین خصوصیت وزارت ارشاد است که گویا همچنان جدی گرفته نمی شود.

یک: وزارت ارشاد از اساس با یک تضاد آشکار دست به گریبان است؛ مسئولیت ها و اختیاراتش آن سان بی تناسب است که مثل این روزها هم جامعه هنری و هم طیف هایی با دلواپسی های مذهبی از آن می نالند؛ چنین دوگانگی در دیگر وزارتخانه ها کم نظیر است...

دو: جامعه هنری ایران متفاوت تر از هر دوره دیگر است، انباشت مطالبات هنرمندان چنان است که اگر بودجه وزارت ارشاد ده برابر شود پاسخگوی نیازهای اولیه هم نیست. این همه غیر از نسل جوان هنر است که میل فزاینده به پیشرفت دارد و صبوری هنرمندان دهه های ۵۰ و ۶۰ را درک نمی کند ...

سه : صندلی این وزارتخانه یکی از لرزان ترین مسندهای کابینه است، دقت کنید تنها وزیر دو دوره ای وزارت ارشاد، سید محمد خاتمی بود که از سال ۱۳۶۱ تا سوم خرداد ۱۳۷۱ بر این صندلی تکیه زد و سرانجام استعفا داد!

چهار: پرسش بزرگ این است که چرا در وزارت نفت، صنعت، بهداشت،خارجه، اقتصاد... همیشه چهره هایی که در این حوزه ها شناخته شده هستند وزیر می شوند اما در وزارت ارشاد چنین نیست و در تمام این سال ها هنرمندان برای شناختن وزرای جدید باید دست به دامن Google شوند!

اما امروز ۲۰ مرداد ۱۴۰۰ معتقدم مشکلات هنر ایران دچار دور تسلسل است، این مشکلات هیچ وقت حل نمی شوند بلکه از دولتی به دولت دیگر منتقل می شوند! یکی از این مشکلات همین که در حالی که اکثریت جامعه هنری معتقدند ما با فقر شدید مدیر هنری مواجهیم صدها نفر برای نشستن روی این صندلی مدعی اند!!

یک فنجان چای داغ

ابراهیم عامریان مطرح کرد؛

نوید محمدزاده و پیمان معادی گزینه‌های اصلی ایفای نقش شهید امینی

ابراهیم عامریان تهیه کننده سینما که به تازگی قصد ساخت فیلم سینمایی «فاتحان اروند» به کارگردانی فرهاد فداکار را دارد گفت: این فیلم درباره یکی از مهمترین عملیات‌های جنگ تحمیلی است که اجرایی شدن آن بستگی به عملیاتی داشت که یک گروه از غواصان باید آن را انجام می‌دادند. تاکنون فیلمنامه‌های بسیاری درباره دفاع مقدس دریافت می‌کردم، اما این فیلمنامه اثر متفاوتی درباره شهید حاج احمد امینی است که شخصیت بسیار دوست داشتنی داشته و از سوی شهید حاج قاسم سلیمانی به فرماندهی گردان غواصی مورد نظر انتخاب شده بود. همین مساله سبب شد تا تصمیم بگیرم این پروژه را جلوی دوربین ببرم.

وی بیان کرد: این فیلم، اثری است که بخش اعظمی از فیلمبرداری آن زیر آب انجام خواهد شد. البته در قصه «فاتحان اروند» توجه بیشتری به زوایای شخصیتی شهید حاج احمد امینی می‌شود، اما این توجه به صورت موازی با قصه اصلی پیش می‌رود. این تهیه کننده سینما ادامه داد: برای انتخاب بازیگر شخصیت‌هایی که در این فیلم به تصویر کشیده می‌شود، به دنبال شبیه سازی چهره اعضای گردان هستیم، در همین راستا به دنبال افرادی هستیم که شبیه شخصیت‌های مورد نظر باشند تا بتوانیم با گریم، چهره‌ها را بیشتر نزدیک به شخصیت‌های اصلی کنیم.وی توضیح داد: درباره انتخاب بازیگر شهید امینی هنوز به نتیجه‌ای نرسیده‌ایم، اما به این فکر می‌کنیم که بازیگرانی مانند پیمان معادی و نوید محمدزاده می‌توانند برای این نقش مناسب باشند، البته هنوز در این باره با هیچکدام از بازیگرانی که نامشان را برده‌ام، مذاکره نکرده‌ایم.عامریان گفت: با توجه به اینکه قرار است فضای متفاوتی در این فیلم به تصویر کشیده شود و اینکه بیش از ۷۰ درصد از پروژه زیر آب فیلمبرداری می‌شود، یک سری از لوازم مورد نیاز را از خارج از کشور وارد می‌کنیم. اگر شرایط مناسب باشد پیش تولید این پروژه بعد از عاشورا و تاسوعا آغاز خواهد شد.وی ادامه داد: البته این را هم باید بگویم که برای فیلمبرداری «فاتحان اروند» به یک دوره ۵ ماهه نیاز داریم، به همین دلیل باید به گونه‌ای برنامه‌ریزی کنیم تا این پروژه را برای حضور در جشنواره فیلم فجر آماده کنیم. لوکیشن‌های این فیلم قرار است در شهرهایی چون کرمان، بندرعباس، آبادان و تهران انتخاب شود.

با تولید «فاتحان اروند» به یکی از آرزوهایم می‌رسم

تهیه کننده «دینامیت» در پاسخ به این پرسش که طی سال‌های گذشته تهیه کنندگان تمایل کمتری به سرمایه گذاری روی فیلم‌های دفاع مقدس داشته‌اند و چه چیز سبب شده است تا در شرایط فعلی تولید، چنین فیلمی را جلوی دوربین ببرد، بیان کرد: با توجه به اینکه فیلم‌های دفاع مقدس بازگشت سرمایه ندارند و بسیار کم پیش می‌آید که یک فیلم در این گونه بتواند فروش خوبی داشته باشد، سرمایه گذاری در این زمینه بسیار سخت شده است، البته این را هم باید بگویم که در گذشته نیز که فیلم‌های بسیاری در حوزه دفاع مقدس تولید می‌شد، شاید از هر ۲۰ فیلم، یک اثر بازگشت سرمایه داشت. این شرایط همچنان ادامه دارد و فیلم‌های دفاع مقدسی معمولاً توسط ارگان‌های دولتی مانند «اوج» و یا نهادهای دیگر تولید می‌شود.وی ادامه داد: بخش خصوصی در زمینه تولید فیلم‌هایی از این دست ورود پیدا نمی‌کند چرا که این آثار بی شک بازگشت سرمایه ندارد. اما این را باید بگویم که برای ساخت «فاتحان اروند» به دنبال بازگشت سرمایه نیستم بلکه ساخت این فیلم را به نوعی برآورده شدن یکی از آرزوهایم می‌دانم. چرا که همیشه دوست داشتم فیلمی در این حوزه تولید کنم. البته تمام تلاش خود را می‌کنم تا بتوانیم یک اثر مخاطب پسند تولید کنم.تهیه کننده فیلم «تگزاس» تاکید کرد: این پروژه سینمایی کاملاً توسط بخش خصوصی تولید می‌شود و هیچ حمایت دولتی را برای ساخت فیلم نمی‌پذیریم.وی در جواب این سوال که چرا فیلمنامه‌هایی با موضوع دفاع مقدس کمتر مورد استقبال تهیه کنندگان قرار می‌گیرد، توضیح داد: مساله این است که بسیاری از فیلمنامه‌هایی که در این حوزه نوشته می‌شود، موضوع‌های تکراری دارد و همین تکرار موضوع سبب شده بود که از ساخت این آثار استقبال نکنم. اما فیلمنامه «فاتحان اروند» موضوعی است که تا به حال به آن پرداخت نشده است و می‌تواند برای مخاطب جذاب باشد.

تهیه کننده «نارگیل» با اشاره به اینکه درست است که داستان‌های بکری با موضوع دفاع مقدس وجود دار